



در جست‌وجوی مطالبات

سرنخ مشکلات فرهنگیان را که دنبال کنید، بیشترش به مشکلات اقتصادی می‌رسد؛ مشکلاتی که معلمان در سراسر ایران با آن روبه‌رو هستند؛ شبیه هم است که فقط شدت آن فرق می‌کند.

یکی از معلمان بازنشسته لرستانی به خبرنگار جام‌جم در این استان می‌گوید: «خرداد ۹۸ بازنشسته شدم اما متأسفانه نزدیک یک سال است که هنوز مطالبات و پاداش پایان خدمتم را دریافت نکرده‌ام.

آن‌طور که او می‌گوید با وجود پیگیری‌های فراوان هنوز به‌جز وعده، چیزی دست و او و دیگر همکارانش را نگرفته‌است.

معلم بازنشسته دیگری حرف‌های همکارش را تکمیل می‌کند و می‌گوید: «دقیقا در شرایط شیوع کرونا و افزایش فشارهای اقتصادی و بالا رفتن هزینه‌ها، بازنشسته شده‌ام. پرداخت‌نشدن مطالبات و افزایش هزینه‌های زندگی، شرایط نامناسبی را ایجاد کرده‌است.»

او آرزو می‌کند بازنشسته نمی‌شد و مثل همیشه حقوق می‌گرفت، چراکه این روزها که لقب بازنشسته را یکد می‌کشد دیگر خبری از پاداش و اضافه کار، بن و... نیست و معلمان بازنشسته با حقوق اندک نمی‌توانند روزگار بگذرانند.

این معلم بازنشسته تاکید می‌کند بیش از ۱۰ماه است به اداره‌کل برای پیگیری مطالباتش مراجعه می‌کند و مانند سایر همکارانش از وعده‌هایی که به او داده می‌شود، ناامید شده‌است.

معلم بازنشسته دیگری می‌گوید: پاداش پایان خدمت را آنقدر تکه‌تکه پرداخت می‌کنند که در نهایت و به قول معروف هیچ چیزی دست آدم را نمی‌گیرد.

عین‌ا... قاسمی حدود هشت‌ماه پیش بازنشسته شده‌است. او درباره مشکلاتش به خبرنگار جام‌جم در آذربایجان شرقی می‌گوید: «در حال حاضر چیزی از مطالباتم دریافت نکرده‌ام و متأسفانه حتی میزان و زمان پرداخت آن هم نامشخص است. هر بار که به آموزش و پرورش استان مراجعه می‌کنم به من اعلام می‌کنند که این مساله به وزارتخانه مرتبط است و از حیطه اختیارات آنها خارج است.

یکی از معلمان بازنشسته استان ایلام نیز به خبرنگار ما می‌گوید: «۳۰ سال در مناطق محروم ایلام خدمت کردم و حتی برای گذران زندگی مجبور شدم به صورت دو شیفته کار کنم، یعنی تا ظهر در مدارس دولتی تدریس می‌کردم و شیفته عصر در یک مدرسه خصوصی درس می‌دادم و اکنون انتظار دارم همان‌گونه که حقوق و مزایای دیگر شغل‌ها افزایش یافته، حقوق و مزایای بازنسستگان آموزش و پرورش هم به همان صورت افزایش یابد که متأسفانه این‌گونه نیست.»

مشکلات حق‌التدریسی

در کنار معلمان بازنشسته، معلمان حق‌التدریسی نیز مشکلات زیادی دارند. احمد یکی از معلمان حق‌التدریس لرستانی است. او نیز دل پری از بی‌توجهی به نیازهای معلمان دارد. احمد به خبرنگار جام‌جم در لرستان می‌گوید: «متأسفانه هنوز پرونده بسیاری از معلمان حق‌التدریس بررسی نشده و تنها تعداد کمی را برای پیگیری به دانشگاه فرهنگیان معرفی کرده‌اند.»

او تأکید می‌کند: «پرونده این گروه از معلمان نیز در این مرحله قرار دارد و هنوز هیچ معلم حق‌التدریسی مشمول تغییر وضعیت نشده‌است.»

مشکلات معلمان حق‌التدریس در بیشتر مناطق کشور یکسان است. حمیده قاسم‌خانی یکی از معلمان حق‌التدریس ساکن کرمان از وضعیت بیمه گلّه می‌کند و می‌گوید: «حق بیمه معلمان حق‌التدریسی فقط بر اساس میزان ساعت کار پرداخت و در طول ماه فقط ۱۳ روز بیمه برایمان رد می‌شود.»

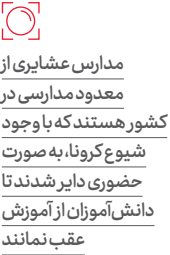
او می‌افزاید: «در تعطیلات تابستان نیز به دلیل این‌که مدارس تعطیل است و حقوقی به معلمان حق‌التدریسی پرداخت نمی‌شود، حق بیمه آنها پرداخت نمی‌شود و معلم مجبور است از جیب خود حق بیمه‌اش را بپردازد.»

آن‌طور که قاسم‌خانی توضیح می‌دهد پرداخت معلمان حق‌التدریسی نیز تأثیرگذار است و باعث شده حقوق دریافتی پایین باشد.

او همچنین با ابراز نگرانی نسبت به این موضوع که اگر روزی معلم حق‌التدریسی بیکار شود، سوابق تدریس او فقط در صورت قبولی در آزمون استخدامی آموزش و پرورش حفظ می‌شود، عنوان می‌کند: «اگر ما یک سال نتوانیم بنا به دلایلی تدریس کنیم، مراحل گزینشی که انجام داده‌ایم نیز باطل و لغو می‌شود.»



آلودگی هوا تا پایان هفته جاری خبر داد و گفت: «با توجه به ادامه شرایط قرمز شیوع کرونا در شهر تهران و با توجه به تمدید محدودیت‌ها و تعطیلی واحدهای صنعتی در هفته پیش رو و با موافقت شهردار تهران، لغو اجرای طرح ترافیک را تا پایان هفته ادامه خواهیم داد.»/ جام‌جم دلی



مدارس عشایری از معدود مدرسی در کشور هستند که با وجود شیوع کرونا، به صورت حضوری دایر شدند تا دانش‌آموزان از آموزش عقب‌نمانند

عکس: تسنیم

تمدید لغو طرح ترافیک تهران

مناف هاشمی، معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران از تمدید لغو اجرای طرح‌های ترافیک و کنترل آلودگی هوا تا پایان هفته جاری خبر داد و گفت: «با توجه به ادامه شرایط قرمز شیوع کرونا در شهر تهران و با توجه به تمدید محدودیت‌ها و تعطیلی واحدهای صنعتی در هفته پیش رو و با موافقت شهردار تهران، لغو اجرای طرح ترافیک را تا پایان هفته ادامه خواهیم داد.»/ جام‌جم دلی



بررسی مشکلات معلمان در روزی که به نام آنها در تقویم قرار گرفته است

روز تکریم درد

ما می‌خواهیم از یک جامعه ۷۰۰ هزار نفری حرف بزنیم، از آموزگاران، دبیران، هنرآموزان، مربیان، مشاوران، معاونان و مدیرانی که ۱۲ اردیبهشت هر سال، وزرای آموزش و پرورش خطاب به آنها پیامی می‌نگارند و با لطیف‌ترین کلمات، روزشان را تبریک می‌گویند. ما می‌خواهیم از معلمانی بگوئیم که یک هفته اختصاصی به نام خودشان دارند و در این یک هفته آنقدر از این که چه قدر مهم‌اند می‌شوند که بعد از آن نمی‌خواهند باور کنند در حاشیه‌اند.

۱۲ اردیبهشت سال‌هاست که بهانه‌ای برای مرور دردهای معلمان شده، دردهایی که شاید برای دیگری که خودشان زندگی پر مشقتی دارند، اساسا درد نباشد ولی برای معلمان که درگیر معیشت و امروز و دیروز و آینده‌اند، عین درد است. ما می‌خواهیم از مشغله‌های نچ‌نما و دلواپسی‌های سابقه‌دار معلمان بنویسیم که مدت‌هاست در مصاحبه‌هایشان با ما به آنها پرداخته‌اند؛ دغدغه‌هایی که به روزهای هفته معلم با آن عناوین دهان پرکن و بزرگ شده پوزخند می‌زنند: معلم ماندگار، قدر و منزلت معلمی، افسران سپاه پیشرفت، معلم مرجعیت تربیت اجتماعی و ... این گزارش در واقع بازخوانی به روز شده‌ای است از عمده‌ترین دلمشغولی‌های جامعه معلمان، از یک جمعیت هفتصد و چند هزار نفری که بیشتر از نیمی از آنها زن‌اند با همه تگناهای مادری و همسری و نیمه کمتر که مردانند با همه دشواری‌های سرپرست خانوار بودن.

معیشت حرف اول را می‌زند

معلمان چه رسمی و پیمانی باشند و چه حق‌التدریسی و نهضتی و خرید خدمات، همین که معلم‌اند در مشکلات معیشتی نقطه مشترک دارند. نه که مردم عادی که شغل‌های دیگری به جز معلمی دارند وضع مالی‌شان خوب باشد و دغدغه نداشته باشند ولی چون معلم‌ها دائما خود را با بقیه کارکنان دولت مقایسه می‌کنند و مانده‌اند که چرا میان دریافتی عائله ولت این همه فرق است، از مردم عادی جدایی‌ند.

معلمی درمنطقه ۱۸ تهران که از معلم‌های رسمی و با بیش از ۲۰ سال سابقه است از حقوق خود که زیر پنج میلیون تومان است، راضی است و خدا را شکر کرده ولی اضافه می‌کند که چون سایه همسر بالای سر اوست و درآمد همسر است که زندگی را می‌چرخاند او دایم همین‌که می‌گیرد شکرگزار است. او اما خوب می‌داند که برخی همکاران او، معلمانی که بیرون از مدرسه یک زن سرپرست خانوارند با چند کودک قد و نیم‌قد و خانه‌ای اجاره‌ای یا مردانی هستند با چند سر عائله که مدام توی دهنشان باید خرج و مخارج را حساب کنند، نمی‌توانند از وضع موجود راضی باشند.

خانم سعیدی که معلم رسمی آموزش و پرورش در پایه سوم ابتدایی است هم وضعیت بغرنج معیشت معلمان را تأیید می‌کند.

معلم‌ها می‌خواهند تصمیم بگیرند

شاید مقایسه نظام آموزش و پرورش کشورمان با آموزش و پرورش کشوری مثل ژاپن که بودجه‌اش رقمی بیش از ۱۶۵ میلیارد یوروست یا مقایسه‌اش با آلمان که بودجه آموزش و پرورش آن حدود ۱۳۰ میلیارد یورو گفته می‌شود یا حتی حرف زدن درباره این که میانگین سرانه دانش‌آموزی در کشورهای پیشرفته جهان براساس آمار سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه بیش از ۹۳۰۰ دلار است، کاری مفید جلوه نکند اما حرف زدن درباره این که چرا معلمان در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های آموزش و پرورش نقش ندارند حتما خواسته بیهایی نیست. معلم سال‌هاست که می‌خواهند در تصمیمات نظام تعلیم و تربیت کشور نقش داشته باشند ولی در عمل آنها مجریان تصمیماتی هستند که دیگران برایشان گرفته‌اند و مهدی پهلوی، کارشناس مسائل آموزش و پرورش و فعال صنفی فرهنگیان به ما می‌گوید این یکی از مهم‌ترین مطالبات بر زمین مانده معلمان است.

او تأکید دارد که در نظام فعلی تعلیم و تربیت، معلم چیزی به جز یک ربات یا تکنسین آموزش فرض نمی‌شود و به هیچ عنوان رکن اساسی آموزش و پرورش به حساب نمی‌آید چرا که همواره باید مجری دستوراتی باشند که به صورت متمرکز از وزارتخانه صادر می‌شود. او می‌پرسد در این فضا که صدای معلمان شنیده نمی‌شود و امور به آنها تفویض نمی‌شود، کدام معلم است که بتواند به معنی واقعی کلمه نقش آفرینی کند؟

واردات واکسن کرونا با ۳۵ شرکت خصوصی

محمدرضا شانه‌ساز، رئیس سازمان غذا و دارو گفت: «حدود ۴۹ شرکت بخش خصوصی برای واردات واکسن اعلام آمادگی کردند و برای بیش از ۳۵ شرکت معرفی‌نامه صادر شد، اما تا امروز هنوز هیچ‌یک از این شرکت‌ها نتوانسته‌اند مدارک و مستندات حداقلی را که بیانگر واردات از منابع رسمی و اصلی باشد، ارائه دهند.» وی افزود: «سازمان جهانی بهداشت اعلام کرد که حدود ۲۰۰ میلیون دُز واکسن تقلبی در دنیا هست که ما باید اقدامات پیشگیرانه خودمان را هم برای واکسنی که قرار است وارد شود، انجام دهیم.»/ ایسنا

چالشی به نام حق‌التدریس بودن

حق‌التدریسی‌های آموزش و پرورش سال‌های سال است که جزو بالاتکلیف‌ترین‌ها محسوب می‌شوند و همواره نیز جزو حداقل‌بگیرهای این وزارتخانه بوده‌اند. این نیروها سال‌های مدید با دریافتی‌های ناچیز ساخته‌اند و با پرداختی‌های نامنظم کنار آمده‌اند فقط به این امید که روزی در آموزش و پرورش استخدام شوند.

شهریور سال ۹۷ حق‌القانون‌حق‌الحاق یک ماده به قانون تعیین تکلیف استخدامی معلمان حق‌التدریس و آموزشیاران نهضت سوادآموزی تصویب شد این جماعت امیدوارتر از همیشه شدند چرا که این قانون تأکید داشت که نیروهای پیش دبستانی، نیروهای خرید خدمات آموزشی، حق‌التدریسی‌ها و آموزشیاران باید تا پایان برنامه ششم توسعه از نظر وضعیت استخدامی تعیین تکلیف شوند.

امسال پایان عمر برنامه ششم توسعه است اما نیروهای حق‌التدریسی آموزش و پرورش هنوز به طور کامل تعیین تکلیف نشده‌اند و در سخت‌ترین شرایط برای معلمی کردن می‌جنگند. اینها می‌چنگند چون یک چالش عمده نیز دارند و مجبورند برای تدریس در مدارس و به دست آوردن سهمی از کلاس‌های درس با خیل معلمان بازنشسته‌ای که بسیاری از ادارات ترجیح می‌دهند، آنها را به کار بگیرند نه حق‌التدریسی‌ها را، رقابت کنند.

ما با سه نفر از نیروهای حق‌التدریسی در تهران گفت‌وگو کرده‌ایم تا روزگار سخت تدریس به سبک حق‌التدریس‌ها را نشان دهیم و بگوئیم که در روز و هفته معلم که همه سعی می‌کنند در استفاده از کلمات پرطمطراق از هم سبقت بگیرند و معلمان را با این واژه‌ها تا آسمان بالا ببرند، روی زمین خدا چه معلمانی هستند که نیاز به توجه حداقلی دارند.

خانم کریمی حق‌التدریس پایه اول دبستان است با ۲۲ سال سابقه کار. او می‌گوید مسوولان آموزش و پرورش هر سال و هر ماه و گاهی هر ساعت وعده‌های جدید درباره رسمی شدن به ما می‌دهند که البته هیچ‌وقت عملی نمی‌شوند. در واقع رسمش این است که معلمان حق‌التدریس، دوره‌ای را حق‌التدریس کار کنند و بعد از آن استخدام شوند، رسمی که فعلا در مورد من و بقیه همکارانم عملی نشده است.

او ادامه می‌دهد: «بخش غم‌انگیز ماجرا این است که من با مدرک کارشناسی ارشد مدت‌هاست برای رسمی شدن تلاش می‌کنم اما هستند معدود کسانی که بدون دیپلم توانسته‌اند استخدام شوند.»

خانم کریمی دلش از وعده‌های بی‌سرانجام مسوولان پر است و می‌گوید: «در برهه‌ای به ما گفتند که باید چند آزمایش بدهید و مراحل احراز هویت را طی کنید چون این کارها شرط لازم برای استخدام شدن است اما در حالی که ما پول زیادی برای این کارها خرج کردیم ولی از استخدام خبری نشد.

امسال هم داستان همان داستان وعده‌های تکراری است. اول به ما گفتند که یک دوره کلاس‌های آموزشی برایتان برگزار می‌کنیم که برای استخدام شدن ضروری است. برای این دوره‌ها، بیشتر از ۴۰۰ فیلم آموزشی به ما دادند که تماشای آنها به دلیل همزمانی‌اش با آموزش مجازی در کلاس‌های آنلاین دانش‌آموزان، وقت و انرژی زیادی از ما گرفت. اما بعد دوباره نظران را عوض کردند که تنها گذراندن این دوره‌ها کافی نیست و باید آزمون هم بدهید. بعد که ما درس خواندیم و آماده آزمون شدیم، زمان و نوع آن را عوض کردند. یعنی روند تصمیم‌گیری‌شان بدون هیچ برنامه‌ای است و انگار هیچ‌کسی نمی‌داند قرار است چکار کنند.»

او آه می‌کشد و می‌گوید: «فکرش را بکنید! حالا و بعد از گذراندن همه این دوره‌ها و آزمون‌ها، جدیدترین تصمیم‌شان این است که باید در شهریور ماه دوباره آزمون اصلاح بدهیم. واقعیت این است که ما در هیچ دوره‌ای تا این اندازه اضطراب نداشتیم و مورد توهین قرار نگرفته‌ایم.»

خانم کریمی به آینده خوشبین و امیدوار نیست چرا که می‌گوید با او و همکاران شبیه به او طوری رفتار می‌شود که انگار به راحتی اخراج خواهند شد. این معلم حق‌التدریس که حقوقش به دو میلیون تومان هم نمی‌رسد به ما بی‌تعارف توضیح می‌دهد که از راهی که این همه سال پیموده پشیمان است و این وضعیت را برای جایگاه معلمی غم‌انگیز می‌داند.

خانم تقی‌نژاد دیگر حق‌التدریس پایه اول دبستان نیز به جام‌جم می‌گوید: «امسال شرایط کارکردن معلمان حق‌التدریسی نور علی نور بود. یک نمونه‌اش دو هفته ابتدایی آغاز مدارس. ما ۱۵ روز از شهریور امسال را به صورت دو شیفته کار کردیم؛ صبح تا ظهر در مدرسه بودیم و برای کلاس اولی‌هایی که به صورت گروه‌بندی شده در مدرسه حاضر می‌شدند، تدریس می‌کردیم و ظهر تا بعد از ظهر هم کلاس آنلاین داشتیم. اما بابت این دو هفته خیلی سخت، حتی به اندازه یک ساعت هم حقوق نگرفتیم. این موضوعی است که نه تنها من که همه معلمان حق‌التدریس به شدت از آن ناراضی هستیم و آموزش و پرورش را بابت این حق‌الناس مدیون خودمان می‌دانیم.»

او البته می‌گوید گفتن این جمله را دوست ندارد ولی اضافه می‌کند با وضعی که دارد مضحکه فامیل و آشنا شده است آنقدر که هربار که حرف از استخدام تعدادی از معلمان حق‌التدریس پیش می‌آید آنها سر دلسوزی یا شاید هم تمسخر می‌پرسند که شما جزو این استخدامی‌ها نبوده‌اید؟

نقطه عطف درمان

در یک برهه‌ای، در سال‌های اول دهه ۹۰ خورشیدی، بیمه تکمیلی معلمان دستمایه طنز و خنده و شوخی بود. آن زمان که بیمه تکمیلی معلمان، بیمه طلایی لقب داشت خیلی‌ها در این صنف از بیمه‌ای می‌گفتند که نه تنها طلایی نیست که حتی لقب نقره‌ای و برنزی هم برایش زیاد است. سال‌ها چالش بیمه‌ای معلمان به این سبک باقی ماند و بیمه‌ای که باید در بزنگاه به داد این قشر برسد، درست در لحظه‌ای طلایی پشت‌شان را خالی می‌کرد. مدت‌ها زمان برد و آموزش و پرورش میان چند وزیر دست به دست شد تا سرانجام این مشکل حل شد و به حالت سکون فعلی رسید، نقطه‌ای که شاید همه معلمان راضی نکنند ولی لاف‌ل صدای اکثریت آنها را نیز بلند نمی‌کند.

همین دیروز بود که گودرز کریمی‌فر، مدیرکل رفاه و پشتیبانی وزارت آموزش و پرورش از الحاق پوشش درمان کرونا به بیمه تکمیلی فرهنگیان گفت و درمصاحبه با ایسنا از پرداخت به روز خسارات درمان خبر داد. امسال حق بیمه تکمیلی فرهنگیان ماهانه ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان است و کریمی‌فر می‌گوید با وجود این حق بیمه اندک، تعهدات بیمه‌ای خوب است و هزینه شماری از خدماتی کلینیکی و پاراکلینیکی، جراحی‌های تخصصی، نابروزی، بیماری کرونا و بیماری‌های خاص بدون سقف پرداخت می‌شود

به طوری که مثلا اگر یکی از معلمان به کرونا مبتلا شود در همه استان‌ها بدون استثناء هزینه‌های درمانش برابر تعرفه مصوبه هیات وزیران در همه بیمارستان‌های دولتی، خصوصی و عمومی غیردولتی پرداخت می‌شود.

طبق توضیحات این مقام مسوول اگر معلمان برای هر نوع بیماری به ۵۵۰۰ مرکز درمانی طرف قرارداد مراجعه کنند یک ریال هزینه نمی‌پردازند و تنها با کم‌دلی پذیرش می‌شوند اما اگر به مراکز درمانی غیرطرف قرارداد مراجعه کنند



و اسناد درمان‌شان را تحویل دهند، خسارت درمان در کمتر از یک هفته به حسابشان واریز می‌شود. او این جملات را آنقدر مطمئن بر زبان آورد که تأکید کرد اگر حتی یک نفر اسنادش را ارائه داده ولی هزینه اش را دریافت نکرده ما پاسخگو هستیم چون تا تاریخ ۵ اردیبهشت همه اسناد پزشکی رسیده، پرداخت و به روز شده است.

اینها خبرهای خوشی است که به گوش می‌رسد و می‌تواند نقطه عطفی در جریان ارتقای زندگی معلمان باشد؛ خبرهای خوشی که البته هنوز برخی فرهنگیان مثل مهدی پهلوی، معلم و فعال صنفی فرهنگیان را مجاب نکرده چرا که او به ما می‌گوید با وجود ارتقای برخی تعهدات اما هنوز خدمات اولیه‌ای مثل دندانپزشکی یا عینک را تقبل نمی‌کند و جای خالی‌شان محسوس است. ﺁ